

مشهدیات

شعر گویشی مشهد

www.ketab.ir

گردآوری و پژوهش: جواد کلیدری



انتشارات شادیاخ

نیشابور . خیابان فردوسی شمالی . نرسیده به میدان آزادی . ساختمان انصار

۰۹۱۵۴۵۰۵۸۱ - ۴۲۲۱۶۱۲۱ (۰۵۱)

shadyakh@gmail.com

مشهدیات

(شعر گویشی مشهد)

جواد کلیدری	گزینش و پژوهش:
شادیاخ - نیشابور	ناشر:
اول - بهار ۱۴۰۱	نوبت چاپ:
جلد ۵۰۰	شمارگان:
مسعود اصغر نژاد بلوچی	ویراستار:
وحید عباسی	طراح جلد:
شهریار عالمی	صفحه آرا:
۳۴۴ صفحه - وزیری	مشخصات ظاهری:
۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۱-۴۵-۱	شابک:

سرشناسه	: کلیدری، جواد، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: مشهدیات ، شعر گویشی مشهد پژوهش جواد کلیدری ویراستار مسعود اصغر نژاد بلوچی.
مشخصات نشر	: نیشابور: شادیاخ، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۳ ص . : جدول.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۱-۴۵-۱ :
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: شعر گویشی مشهد.
موضوع	: شعر خراسانی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها Khorasani poetry -- 20th century -- Collections
رده بندی کنگره	: PIR۸۷۹۴ :
رده بندی دیویی	: ۸۱۶۲۰۸ فا ۸ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۷۲۳۰۴ :
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا	

www.ketab.ir

فهرست

۷.....	مقدمه
۸۱.....	جدول آوانگاری (فونتیک)
۸۲.....	مهدی اخوان ثالث
۸۵.....	یوسف ازغدی خراسانی
۹۷.....	رضا افضل
۱۰۴.....	امیربرزگر خراسانی
۱۱۸.....	شیخ احمد بهار
۱۳۰.....	محمد تقی بهار (ملک الشعراء)
۱۴۲.....	حاج شیخ محمد کاظم تهرانیان «بهار»
۱۵۷.....	زهرا بیدکی
۱۶۳.....	محمد طاهر پیک
۱۶۸.....	حسین جوادزاده
۱۷۶.....	تقی خاوری
۱۷۹.....	عماد خراسانی
۱۸۸.....	سید محمد خسرو نژاد
۱۹۰.....	راقم مشهدی
۱۹۲.....	رضا رجبی «رجا»
۱۹۶.....	هاشم رضازاده
۲۰۱.....	سید محمد رضوی
۲۰۸.....	قاسم رفیعا
۲۱۵.....	محمد باقر روشن نیا
۲۲۱.....	سایه سعیدی
۲۲۳.....	آرش شفاعی
۲۲۷.....	محمد رضا عالمی
۲۲۹.....	علی عربی

۲۳۱		سید حسین عمادی سرخی
۲۳۵		مجتبی فدایی
۲۳۹		محمود فرخ
۲۴۲		علی رضا کاشی پور
۲۴۹		کفاش خراسانی
۲۶۱		سعیده موسوی زاده
۲۶۷		یاور مهربان
۲۷۴		اصغر میر خدیوی
۲۸۳		محمد نیک
۲۸۶		محمود یآوری زاوه
۲۹۸		محمّد رضا اخوان
۳۰۰		مرضیه الهی خیمری
۳۰۱		مهدی ایرانمنش پور کرمانی
۳۰۵		مهدی برهانی
۳۰۷		هما توکلی پور
۳۰۹		مهدی دانش
۳۱۵		یاسر رحمانی
۳۱۷		عظیم سناوندی
۳۱۹		مرتضی قربانی
۳۲۲		هادی نیکدل
۳۲۴		رضا نوربانی
۳۲۷		واژه نامه
۳۴۱		منابع:
۳۴۳		سایر منابع:

مقدمه

زبان پارسی، تاریخ پرفراز و نشیب و درازدامنی دارد؛ گذشته‌ای پرافتخار که هیچ‌یک از زبان‌های رایج در جهان را یارای همتایی با آن نیست؛ هم از حیث تاریخی و روزگاری که بر آن گذشته و هم میزان آثار درخشان و قابل‌توجهی که با این زبان شیرین، آفریده شده است. زبان فارسی سه دوره‌ی مهم داشته است: فارسی باستان، فارسی میانه (پهلوی) و فارسی دری که درواقع، فارسی میانه، کامل شده‌ی فارسی باستان و فارسی دری، کامل شده‌ی فارسی میانه است. اگر امروز، مرزهای سیاسی بین سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان فاصله انداخته است، از لحاظ فرهنگی و مهم‌تر از آن، از جهت هم‌کلامی، این سه کشور به‌علاوه‌ی ازبکستان، درواقع در یک حوزه قرار دارند، آن‌گونه که از دیروز تا امروز در این مناطق، مردمان بسیاری با زبان فارسی، روز و شب شان را سپری کرده و می‌کنند، حتی بسیاری از مردمی که در پاکستان و هندوستان زندگی می‌کنند نیز با این زبان سخن می‌گویند و آن طرف‌تر، بنگاله...

از گذشته تا به حال، کُرسی زبان فارسی در ایران دایر بوده و به همین نام هم خوانده می‌شده است، اصلاً یکی از ارکان ملیت ایرانی‌ها، همین زبانشان بوده است. همان‌که در دوران پرتلاطم تاریخی و در فراز و فروه سلسله‌های مختلف پادشاهی، گاه تا سرحد نابودی هم پیش رفت اما چون آتش زیر خاکستر ماند تا با همت و پایمردی مردان و زنان این مرز، دوباره رونق گیرد، جدیت و تلاش کسانی چون فردوسی؛ این بزرگ‌مرد توسی برای اعتلای این زبان قابل‌ستایش است. با این همه، چالش‌های ناخواسته، موجب گردیده که در حد و حدود این زبان کج‌تابی‌هایی اتفاق بیفتند که اگر ادبا و پاسداران زبان، همت نمی‌کردند شاید آسیب‌های جبران‌ناپذیری به بدنه‌ی زبان وارد می‌شد. به‌عنوان مثال، جدا شدن افغانستان از ایران [خراسان بزرگ] و تشکیل دولت‌های مستقل از یک طرف و تغییر حاکمان سیاسی در آن سامان، هم‌چنین به هم خوردن توازن جمعیتی اقوام و بسیاری علل، از طرف دیگر، در این آسیب‌رسانی نقش داشته‌اند و به واسطه‌ی همین چالش‌های آسیب‌زننده، میزان استفاده از زبان‌ها و گویش‌های دیگر، از جمله زبان فارسی، کمرنگ شد و در آن کشورها سایر

زبان‌ها قوت گرفت. با این همه، فارسی همچنان یکی از زبان‌های اصلی مردم آن جا ماند و هست و اکنون این زبان را به همان نام قدیمش، «فارسی دری» می‌شناسند. در تاجیکستان و ازبکستان هم این زبان، با همین نام «فارسی» خوانده می‌شود.

اگرچه در خراسان امروز هم اقوام مختلفی با زبان و گویش‌های مختص به خود زندگی می‌کنند و هم‌اکنون در بسیاری از شهرهای خراسان شمالی، رضوی و جنوبی با این زبان‌ها و گویش‌ها تکلم می‌کنند و جمعیتشان (در برخی شهرها و روستاها) چه‌بسا بیشتر از فارس‌زبان‌ها هم هستند، اما تقریباً همه‌ی آن‌ها بنا به دلایل سیاسی و توسط حاکمان وقت، به این دیار کوچانده شده‌اند. از جمله، ترک‌ها و کردها و ... و جز آن، به دلایلی چون وجود بارگاه امام هشتم (ع) در مشهد و رونق تدریجی این شهر، همچنین به واسطه خشک‌سالی‌ها، قحطی‌ها، جنگ‌ها و ... نیز اقوامی به این دیار و سرزمین، مهاجرت کرده‌اند. با این توصیف، می‌توان گفت هیچ ناحیه و قومی در خراسان نبوده که با زبان و گویش اصلی‌شان، یعنی فارسی صحبت نکنند، اگرچه امروز این نکته صادق نباشد.

نکته اینجاست که زبان و گویش غالب مردم خراسان، از دیرباز همین فارسی بوده است و مردم این سامان، همه با همین زبان شیرین حرف می‌زده‌اند و به قول مهدی اخوان ثالث:

«زبان فارسی قباله‌ی طبیعی و مادری ارواح مردم خراسان است.»^۱

با این حال، برخلاف امروز که در برخی از شهرها و بسیاری از روستاهای مثلاً خراسان شمالی، فارس‌زبان‌ها در اقلیت هستند، آن روزها در اکثریت بودند و تنها گویش‌ها و لهجه‌های منشعب از همین فارسی در این مناطق، رایج بود. ناگفته پیداست که امروز همه‌ی اقوام این ناحیه، با همه‌ی تفاوتی که در گویش‌ها و زبان‌هایشان دارند، باهم، همزیستی و خویشاوندی خوب و نزدیکی دارند. تقریباً در همه‌ی روستاها و شهرهای خراسان شمالی، مردم به سه زبان

۱. اخوان ثالث، مهدی: حریم سایه‌های سبز،

فارسی، کردی و ترکی می‌توانند حرف بزنند و در برخی نیز به تاتی، ترکمنی و ... یعنی هیچ‌کدام از این اقوام، مانند برخی از مناطق کشورمان که با تعصب، از زبان و گویش خود یاد می‌کنند و آشکارا ضدیت خود را با زبان رسمی کشور اعلام می‌دارند، عمل نمی‌کنند. برعکس، همدلی و صمیمیت بین مردم این منطقه، قابل تحسین است و مثال زدنی. تا آنجا که بسیاری از خانواده‌ها به هر سه زبان فارسی، کردی و ترکی سخن می‌گویند. البته این را هم یادآور شوم که همین مردم هم گویش فارسی قدیمی را که در برخی مناطق و روستاها هم‌چنان رایج است و آن‌ها با نام «تاتی» می‌شناسند، گویی زبانی متفاوت از فارسی ست که به اعتقاد من، نیست. تاتی، همان فارسی ست که تعداد گویشوران‌ش در این مناطق، در اقلیت هستند.

به قول استاد میر جلال‌الدین کزازی، هنگامی که از فارسی سخن می‌راند: «یکی از این زبان‌ها، زبان خراسانی است که در ایران پس از اسلام، از بختی بلند و بهین برخوردار آمده است و زبان فراگیر فرهنگی و دیوانی در سراسر ایران گردیده است و به کردار زبانی شکرین و شیوا و شورانگیز، سخته‌ترین و ستواترین و ستوده‌ترین سامانه‌ی ادبی جهان، در قلمرو جاودانه‌ی سرود و سرود و سخن، در آن آفریده شده است. این زبان که در ایران کهن، در پهنه‌ای گسترده به‌کاربرده می‌شده است و در ایران نو نیز، چنان زبان فراگیر میهنی، گونه‌ای جهانشاهی دور مرز و پهناور را از کاشغر تا قیروان پدید می‌آورده است، خود، گویش‌ها و شاخه‌های پرشمار داشته است که هنوز بسیاری از آن‌ها زنده‌اند و روایی دارند.»^۱ فارسی امروز یعنی زبانی که امروز ما بدان سخن می‌گوییم، بازمانده‌ی همان زبان فارسی دری ست که در طی دوره‌ی اسلامی در مشرق ایران پرورش یافت. مراکز مهم این زبان، ماوراءالنهر و خراسان، یعنی سمرقند، بخارا، بلخ، مرو، هرات، توس و نیشابور بود و این مراکز، حتی تا سیستان کشیده می‌شد. این مسأله، نشان‌دهنده‌ی آن است که چرا برجسته‌ترین شاعران این زبان تا به عصر سلجوقی از همین شهرها برخاسته‌اند.

۱. شهریارى راد، پویا: بررسی گویش مشهدی.